گواهینامه درجه یک هنری برای میثم

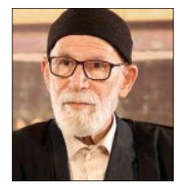

میثم را همه بچه‌هیاتی‌ها می‌شناسند؛ حاج غلامرضا سازگار شاعر را می‌گوییم که متخلص به میثم است. دیروز خبر رسید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گواهینامه هنری درجه یک در رشته «شعر» را به او اعطا کرده است. آن‌طور که عقیق در این‌باره گزارش داده، این گواهینامه هنری پس از بررسی در شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور به حاج غلامرضا سازگار اعطا شده است. استاد غلامرضا سازگار که از شاعران و مداحان پیشکسوت اهل بیت (ع) به شمار می‌رود، تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های قدیمی سپری کرده سپس به تحصیل در حوزه علمیه روی آورده است. او سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد و در کنار آن به مداحی پرداخت. سازگار با حضور در جلسات حاج ملا حسین مولوی در شعر و مداحی پیشرفت چشمگیری کرد. استاد غلامرضا سازگار بیشتر اشعارش را در قالب غزل و به زبان روان سروده است. از آثار او می‌توان به شش جلد «نخل میثم»، «ماه خون گرفته»، «آتش مهر»، «نخلستان»، «صیام در قیام» اشاره کرد.

به‌مناسبت ولادت حضرت زهرا (س) سیره این حضرت در بستر خانواده و جامعه را مورد بررسی قرار داده‌ایم

ای آنکه می‌گردد زمین در جستجویت...

پیمان طالبی
ادبیات و هنر

زندگانی حضرت زهرا(س) پر از نکات قابل تامل و دقایق حیرت‌انگیز است که در تاریخ کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر است. توجه به این نکات گرچه مستلزم مداقه و تحقیق جامع درباره بررسی ابعاد شخصیتی آن حضرت است اما از طرفی هم برای هرکسی در هر سطحی می‌تواند در حد فهم و اطلاع همان شخص بهره‌هایی داشته باشد. این مساله در علوم اسلامی به قوس صعود و قوس نزول ساحت وجودی اهل بیت (ع) مربوط می‌شود. یکی از بهترین زمان‌ها برای تحقیق و بررسی و دقیق‌تر شدن در تاریخ زندگانی اهل بیت (ع) در ایام ولادت‌ها و شهادت‌های آن حضرات عالیقدر است. در چنین مواقعی، توجه انسان بیشتر متوجه ساحت قدسی است و از این رو می‌تواند بهتر و بیشتر با حضرت معصومین ارتباط برقرار کند. با این اوصاف ولادت حضرت زهرا(س) و روز مادر، فرصتی است که تاریخ را ورق بزنیم و با ابعاد شخصیتی و سیره دلیل خلقت عالم و سرور بانوان جهان؛ حضرت صدیقه طاهره(س) بیشتر آشنا شویم. به همین منظور به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین سیدجلال موسویان رفتیم تا با توجه به مطالعاتی که او در زمینه تاریخ اهل بیت(ع) داشته‌اند، به کمک ایشان به واکاوی سیره زندگی شخصی و اجتماعی حضرت ام‌ابیها(س) بپردازیم.

به عنوان سوال اول می‌خواهیم بدانیم که با توجه به مناسبت‌های مختلف و متعددی که در طول تاریخ وجود داشت، چرا روز ولادت حضرت زهرا(س) به‌عنوان روز مادر انتخاب شده‌است؟

بانوانی که در قرآن کریم و روایات به بزرگی‌شان اشاره شده‌است، زنان بزرگ قوم خودشان بوده‌اند؛ مانند حضرت مریم(س) که سیده و بزرگ زنان عصر خود و قوم خود بودند. ولی وجود نازنین حضرت زهرا(س) بزرگ بانوی جهان بشریتند و بزرگی ایشان معطوف و محدود به زمان و مکان خاصی نیست به همین علت تعبیر «سیده نساء العالمین» برای ایشان به کار رفته‌است. دلیل این مساله هم آن است که خداوند متعال خیر کثیر را در نسل این بانو قرار داده‌است، آنجا که می‌فرماید: «انا اعطیناک الکوثر» و به پیغمبر می‌فرماید که ما خیر کثیر را به تو عطا کرده‌ایم. و این خیر کثیر وجود نازنین حضرت صدیقه طاهره(س) است و نسلی که خداوند آن را مایه خیر و برکت می‌داند، نسل حضرت زهرا(ع) است. به همین جهت این بانو، مادر عالمین هستند. از این منظر ما حضرت زهرا(س) را منشأ خیرات و روزی عالم می‌دانیم چرا که ایشان مادر هر دو عالمند و خداوند این افتخار و این جایگاه را اختصاصا به ایشان عطا کرده‌است. علاوه بر این حضرت زهرا(س) مادر حضرات معصومین(ع) هستند. در اینجا لفظ «ام» به معنای مادر، معنای ریشه نیز دارد و ریشه همه خوبی‌ها، برکات و خیرات بوده که مربوط به صدیقه طاهره(س) است. همچنان که در حدیث کسا نیز می‌خوانیم: «هُمْ فاطِمَةُ وَاَبُوها وَبَعْلُها وَبَنُوها.» بنابراین حضرت، همسرشان و فرزندان‌شان محور کائنات هستند. حتی برای رسول خدا(ص) و برای امیرالمؤمنین(ع) نیز حضرت زهرا(س) نقش کلیدی و محوری دارد از این روست که پیامبر اکرم (ص) ایشان را ام‌ابیها می‌خوانند و می‌دانند. امیرالمؤمنین(ع) و حضرات معصومین(ع) به لفظ «ام» از حضرت زهرا(س) یاد می‌کنند. بنابراین سایر بانوان بزرگ تاریخ نظیر حضرت آسیه(س) و حضرت مریم(س) این جایگاه و این توفیق را کسب نکرده‌اند.

در صحبت‌هایتان به صفت «ام‌ابیها» اشاره کردید. در نسبت دادن این لقب به حضرت زهرا(س) چه درس‌ها و پیام‌هایی نهفته‌است؟

درباره وجود خاتم‌الانبیا(ص) آمده‌است: «ما ینطق علی الهوی الا وحی یوحی» پس پیامبر(ص) روی هوای نفس خود صحبتی نکرده‌است. در فضائلی که برای حضرت زهرا(س) نقل شده، آمده‌است که زمانی که حضرت به دیدار پدر بزرگوارشان می‌شتافتند، رسول خدا(ص) تمام قد به احترام فاطمه زهرا(س) می‌ایستادند و به استقبال دخترشان می‌آمدند. رسول خدا(ص) دخترشان را سر جای خود می‌نشاندند و در روایت آمده که حضرت خم می‌شدند و دو دست حضرت زهرا(س) را می‌بوسیدند. در اینجا حضرت صدیقه طاهره(س) سبب این عمل را از پدر می‌پرسیدند و رسول خدا(ص) در پاسخ می‌فرمودند: «این حکم الهی و دستور خداوند است.»

این ماجرا را می‌توان از چند منظر بررسی کرد. از طرفی می‌توان این اتفاق را از حیث تکریم و بزرگداشت حضرت مطالعه و در آن تفکر نمود. قرآن می‌فرماید: «لقد کرمنا بنی آدم و فضلناهم» یعنی ما به انسان کرامت بخشیدیم و به او برتری دادیم. کرامتی که خداوند به صدیقه طاهره(س) اعطا کردند حتی باعث ترفیع رتبه و بالا رفتن پیغمبر اکرم(ص) نیز کاربرد دارد.

چطور؟

در صلوات خاصه حضرت زهرا(س) می‌خوانیم: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی الصِّدّیقَةِ فاطِمَةَ الزَّکیةِ حَبیبَةِ حَبیبِک وَنَبیِک» بعد می‌رسیم به این فراز که: «وَالْکریمَةَ عِنْدَ الْمَلاَءِ الأُعْلی» یک معنای کریم این است که ایشان صاحب کرامت و بخشندگی است که هرکسی به در خانه آن حضرت برود، دست خالی برنخواهد گشت. اما معنای دوم و دقیق‌تر کریم آن است که به شخص کرامت می‌بخشد. در واقع وقتی پیغمبر اکرم(ص) به حضرت اشاره می‌کنند و ایشان را «ام‌ابیها» می‌خوانند، به مادر و هستی و محور کائنات بودن حضرت اشاره دارند و این که حضرت را صاحب تکریم می‌شمارند. بنابراین ایشان حتی خاتم انبیا(ص) را نیز کرامت می‌بخشند. در نتیجه رسول خدا(ص)، حضرت زهرا(س) را با این صفت مورد تکریم و احترام قرار می‌دهند.

پس در واقع ما در اینجا به این صفت از منظر تکریم نگاه می‌کنیم.

بله البته تکریم نه به معنای کریم بودن، بلکه به معنای کرامت بخشیدن. یعنی به معنای بزرگداشت. ببینید وقتی انسان بلاتشبیه دست مادرش را می‌بوسد یا دست یک عالم بزرگ و جلیل‌القدر را می‌بوسد، وقتی آن شخص کریم و صاحب کرامت باشد، با این کار قطعا از کرامت او چیزی نصیب انسان خواهد شد. در اینجا یک نکته تربیتی نیز مطرح می‌شود که حائز اهمیت است.

یک معنای کریم این است که ایشان صاحب کرامت و بخشندگی است که هرکسی به در خانه آن حضرت برود، دست خالی برنخواهد گشت. اما معنای دوم و دقیق‌تر کریم آن است که به شخص کرامت می‌بخشد

اتفاقا وجه مهم این ماجرا هم آموزه‌های تربیتی آن است.

دقیقا. روزی شخصی از رسول خدا(ص) می‌پرسد: «چرا آن‌طور که ما فرزندان‌مان را دوست داریم، آنها ما را دوست ندارند؟» حضرت پاسخ دادند: «چون که فرزندان‌تان از شما هستند ولی شما از آنها نیستید.» اما این قصه دو استثنا نیز دارد. یکی حضرت صدیقه طاهره(س) و دیگری امام حسن و امام حسین(ع). حضرت رسول خدا(ص) فرمودند: «زهرا از من است و من نیز از زهرا هستم» درباره امام حسین(ع) نیز این روایت وجود دارد: «حسین منی و انا من حسین» یعنی هیچ تفاوتی بین پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) یا امام حسین(ع) نیست. لذا فضیلت و تکریمی که ما برای حضرت زهرا(س) در عرش اعلا قائل هستیم مربوط به کرامت بخشی آن حضرت است. پس «ام‌ابیها» بیش از هر چیز دیگر به ریشه و اساس اشاره دارد. یعنی هرکه می‌خواهد وارد خانه رسول خدا(ص) شود، باید از در خانه حضرت زهرا(س) یعنی از راه مادر رسول خدا(ص) وارد شود.

ما شیعیان قائل به این هستیم که معصومین(ع) پیشوایان ما هستند و ما بایست از زندگی آنها برای زندگی خودمان الگوبرداری کنیم. چه آموزه‌ها و نکاتی در عمر پربرکت حضرت صدیقه طاهره(س) وجود دارد که می‌تواند امروز برای ما قابل استفاده باشد؟

پاسخ این سوال که بسیار هم حیاتی و مهم است را در دو بخش خدمت مخاطبین محترم ارائه خواهم کرد. اولا در روزهای پایانی عمر حضرت زهرا(س)، ایشان با همسرشان امیرالمؤمنین(ع) خلوت کردند و به حضرت فرمودند: «علی جان! می‌خواهم چند مطلب را با تو در میان بگذارم». مطلب اول این بود که حضرت زهرا(س) به همسرشان فرمودند: «من هیچ‌وقت در زندگی به تو دروغ نگفتم». در اینجا اصول نظام خانوادگی را صدیقه طاهره(س) در سال دهم هجرت بیان می‌کنند. امروز شاهد این هستیم که اغلب مجادله‌ها و پرخاش‌ها در روابط خانوادگی - اعم از رابطه زن و شوهر یا رابطه مادر و یا پدر با فرزندان - در دروغ ریشه دارد. نکته بسیار مهم این است که بدانیم فاطمه زهرا(س) معصوم است و بنابراین هرگز دروغ نمی‌گوید اما این نکته را به همسرش ابراز و عرضه می‌دارد: «من هرگز به تو دروغ نگفته‌ام». اینجا باید دانست که دروغ بنیان و اساس اعتقادی و روانی را در خانواده به‌هم می‌ریزد. یک کارشناس روان‌شناسی نقل می‌کند که هر مصیبتی یک واحد در درون انسان دارد. مثلا اگر کسی همسرش را از دست دهد برای مثال ۹۰ واحد استرس و اضطراب در وجود او به وجود می‌آید. این کارشناس می‌گوید، هرکس در زندگی دروغ بگوید با هر دروغ ۱۰۰ واحد استرس به خود وارد کرده است.

مطلب دومی که حضرت به امیرالمؤمنین(ع) ابراز می‌دارد این است که: «علی جان! من هیچ‌وقت به تو خیانت نکرده‌ام». این جمله آرمان‌خواهانه حضرت باید سرلوحه جامعه قرار گیرد. آن هم در دنیای امروز که میزان خیانت در زندگی خانواده‌ها بسیار افزایش پیدا کرده است. حال بایست خیانت کردن را از زبان حضرت تعریف کرد تا به عمق کلام حضرت پی برد.

مطلب سوم هم این است که بی‌بی فرمود: «من هیچ‌وقت با تو مخالفت نکرده‌ام». خیلی زیبا و شیرین است این حرف. یعنی علی جان! من همواره با تو سازگاری داشته‌ام. و حضرت در ادامه فرمود: «علی جان! من همیشه از خدا خواسته‌ام که چیزی را از تو نخواهم که باعث شرمساری تو شوم».

این دستورات زندگی زناشویی که در این روایت توسط حضرت صدیقه طاهره(س) مطرح شده اصلا مختص بانوان نیست و الفبای روابط بین زن و شوهر در این کلام آموزش داده شده است. همچنین مولا امیرالمؤمنین(ع) نیز پس از این فرمایشات حضرت زهرا(س)، جملاتی خطاب به همسرشان دارند که آنها نیز شنیدنی و آموختنی است. امیرالمؤنین می‌فرمایند: فاطمه جان! من تو را به پنج ویژگی شناخته‌ام:

ویژگی اول: شناختم که معرفت تو به خداوند در حد اعلاست و کسی به اندازه تو معرفت به خدا ندارد.

در زمینه معرفت به خدا روایت‌های بسیاری از زندگی حضرت زهرا(س) هست. در دنیا بسیار مطرح شده که در دین مسیحیت قبل و بعد از غذا دعا خوانده می‌شود. اما آیا می‌دانید که در سیره حضرت زهرا(س) آمده که آن حضرت قبل و بعد از غذا و سر سفره همواره دعا می‌خواندند؟ یا این‌که حضرت مقید به تلاوت قرآن و دعا در منزل بودند. دعاهایی روزانه که بی‌نظیرند.

ویژگی دوم: تو را به نیکوکاری شناخته‌ام.

هردوی این بزرگواران از ویژگی نیکوکاری به حد اعلی بهره‌مند بوده‌اند. در اوصاف حضرت علی(ع) آمده که حضرت چاه می‌کندند و پیش از این‌که هنوز به طور کامل از داخل چاه بیرون بیایند، قلم و کاغذ درخواست و کتبا آن چاه را وقف می‌کردند. در مورد حضرت زهرا(س) هم این آیات و روایات بسیار است: «وَ یطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکیناً وَ یتیماً وَ أَسیراً» همان ماجرایی که همه شنیده‌ایم حضرت با اهل خانه سه روز روزه می‌گیرند و افطار خانه را به سائل می‌بخشند. در تاریخ نداریم بانویی شب عروسی‌اش لباسش را به سائل بدهد.

ویژگی سوم: من تو را به تقوای الهی شناخته‌ام.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: مومن هیچ‌وقت عذرخواهی نمی‌کند. اطرافیان گفتند: یعنی متکبر و مغرور است؟ آقا فرمودند نه. مومن اشتباه نمی‌کند که نیاز به عذرخواهی داشته باشد. این معنای تقواست.

ویژگی چهارم: تو کریمی و من به کرم تو کسی را سراغ ندارم.

ویژگی پنجم: من ندیده‌ام کسی به اندازه تو از خدا بترسد و خوف از خدا داشته باشد.

حامد عسکری به مناسبت روز مادر از مادرانه‌ها می‌گوید

چند روایت معتبر مادرانه

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

۱ می‌گفت داشتم شیرت می‌دادم. زنگ خانه را زدند. دایی علی از جبهه آمده بود، بوس و بغل و خوشامدگویی که می‌کنند، دایی علی اولین بار من را می‌بیند. بغلم می‌کند. بعد می‌گوید اگر امام بگوید حامدت را بده، می‌دهی ببرمش جبهه؟ گفتم: می‌دهم ولی تا صبح بالای سرت اشک می‌ریختم. پسرم بودی....

۲ از کرمان که می‌رفتیم بم، غروب‌ها نرسیده به بم، چراغ‌های شهر پدیدار می‌شد. توی عالم هفت هشت سالگی می‌پرسیدم چراغ خانه ما کدام است؟ می‌گشت چراغ سبز امامزاده اسیری را پیدا می‌کرد و می‌گفت آن چراغ خانه‌مان است. من بزرگ شدم و بعدها فهمیدم ما هروقت به کرمان می‌رفتیم چراغ‌های خانه‌مان را خاموش می‌کردیم و مادرم قشنگ‌ترین و نورانی‌ترین دروغ جهان را می‌گفته که چراغی در دلم روشن بماند.

۳ زلزله که شد از همه بریدم. یک چادر زدم توی حیاط یک مدرسه با یک فرغون کتاب. چونان رسولی به وهم بعثت در غاری برزنتی. صدا بلند کرد مهمان نمی‌خواهی؟ جز او هرکه بود بی‌محلی‌اش می‌کردم. آمد و گفت چه مرگت است؟ گفتم دنیایم تمام شده. گفت: خدا خدا کهنه خداست. اگر قرار بود دنیا تمام شود باید وقت شکافتن فرق علی تمام می‌شد و سربریدن پسرش... سر پسرش به نیزه‌ها بود و گنجشک‌ها تخم گذاشتند و بزها زاییدند و کرم‌ها پروانه شدند... صبور باش و شاکر... می‌توانست از این بدتر باشد. مادرم جبرئیل شده بود با آیه‌هایی که توصیه می‌کرد به صبر و شکر... فرشته‌ای که بال‌هایم را مرمت کرد و از غار زدم بیرون برای رسالتی که گفته بود....

۴ این یک سال کرونا هنوز جرات نکرده‌ام بغلش کنم. دو سه بار رفتم کرمان و از دور دیدمش.... دلم لک زده برای بوسیدن دست‌هایش. دو سه ماهی یک بار عرق نعنایی، شوید خشکی و برگه زردآلویی چیزی برایمان پست می‌کند تهران. زنگ زدم می‌گویم مادر من این چه کاری است می‌کنی؟ همین جا همه‌چی هست، زحمت می‌شود برایتان و جوابش رقیقم کرد. گفت پسرجان بگذار فکر کنم هنوز به دردتان می‌خورم. هنوز به کارتان می‌آیم و هنوز مفیدم و هر بار با این جمله‌اش فکر می‌کنم بغض حلقم را خنج می‌اندازد.

مادر همین است. معنای و تجسد و تجسم عشق است. بی‌مزد و منت و توقع عشق می‌ورزد و هیچ نمی‌خواهد. هیچ‌وقت دستش با قابلمه نمی‌سوزد. هیچ وقت ته‌دیگ ماکارونی دوست ندارد. هروقت ته‌دیگ سیب‌زمینی کم باشد رژیم دارد. شب چراغ‌ها را او خاموش می‌کند و صبح سماور را او روشن. نوشتن از مادر برای همه سخت است. در ایام تولد مهربان‌ترین مادر جهان سخت‌تر. شب میلاد است. روضه برایتان نمی‌خواهم بخوانم. شما یک چای بریزید برای خودتان شب عیدی کامتان تلخ نشود. من خودم تنهایی به آن مادر ۱۸ ساله فکر خواهم کرد....